



۲۰۱۷/۰۶/۰۸

م، نعیم بارز

## در شرایط بحران زای کشور، راه اندازی تظاهرات به چه مفهوم است؟

در باره دخالت های آتش افروز دشمنان خارجی، چون دولت پاکستان، ایران و روسیه در افغانستان سخن بسیار گفته شده و شاید دیگر حتی هر کر و کوری دریافته باشند که آنها در پی چه مقصد و اهدافی هستند. اما در شرایطی که آنها توسط دست پرورده های شان هر بار در کشور و بخصوص از چندی بدین سو در شهر کابل بیشتر از هر وقت دیگر تعداد زیادی از مرد، و زن و طفل بی گناهی را با عملیات انفجاری و انتحاری به خاک و خون می کشانند، چنانکه انفجار تانکر پر از مواد انفجاری قوی تر از به اصطلاح مادر «بم» های غیر اتمی امریکا، روز چهارشنبه ۲۰۱۷/۵/۳۱ در چهار راهی زنبق واقع وزیر اکبر خان که بیش از صد نفر به خاک و خون یکسان شدند و نزدیک به پنجم صد نفر شدیداً زخمی گردیدند.

آیا در چنین شرایطی که تروریست های مزدور گوش به فرمان بادران خارجی شان در هر کوچه و شهر و بازار شهر کابل موضع گرفته و گوش به فرمان بادران شان منتظر اجرای عمل شرارتبار هستند، آیا کسانی که چنین تظاهراتی را با استفاده از احساسات پر شور جوانان برنامه ریزی کرده و به راه می اندازند چه حاصلی میتواند در بر داشته باشد به غیر از استقبال از عملیات تروریستی و فرستادن مردم به قربانگاه و زیر آتش دشمنان خارجی؟ البته این نخستین باری نیست که بتوان واقعه چهار راه زنبق و پیامد عملیات انتحاری در تظاهرات را ناشی از عدم تجربه دانست، زیرا هنوز همه تصاویر دل خراشی را پیش چشم داریم که چند ماه قبل شاید به خواست دولت ایران و یا به خواست قدرت جویان داخلی افغانستان تظاهراتی از سوی به اصطلاح روشنفکرانی از قوم محترم هزاره کشور، مربوط جریان یا سازمانی به نام چراغ به رغم مخالفت پولیس به راه انداخته شد که در نتیجه در قسمت مینار دهمزنگ عملیات انتحاری صورت گرفت و بیش از هشتاد نفر به قتل رسیدند و صدها نفر زخمی شدند و رنگ سیاه سرک قیر به رنگ سرخ خون مبدل گردید.

اما این بار انفجاری که با تانکر پر از مواد انفجاری در نزدیک سفارت خانه های خارجی مقیم وزیر اکبرخان روی داد و تلفات و زخمی های زیاد و خسارات سنگینی به بار آورد ولی هنوز بعضی جسد ها و پارچه هایی از جسد انسان ها از زیر خاک بیرون آورده نشده فقط یک روز در میان یعنی روز جمعه تاریخ ۲۰۱۷/۵/۳۱ ظاهراً به عنوان احتجاج در برابر واقعه مذکور شتاب زده تظاهراتی به راه انداخته شد و مردم بیچاره و بی خبر از دنیا با غلیانی از

قهر و خشم و نفرت با سر دادن شعار یک نواخت «باید رئیس اجرائیه و رئیس جمهور استعفی نمایند» به راه پیمایی پرداختند و تلاش نمودند خود را به ارگ رسانند. اما مردم بی خبر از دنیا و مورد سوء استفاده سیاسی قرار گرفته با سه عمل انتحاری پی در پی مواجه شدند که بازهم تعداد دیگری غرق خون گردیدند و قربانی بیجا از خود برجا گذاشتند.

راه اندازان اصلی، مثل لطیف پدram، ضیاء مسعود، صلاح الدین ربانی، عطا محمد نور و غیره از دور و از عقب تلویزیون ها در خانه های مجلل شان ماجراجویی های خود را با خیال ضربه زدن به دولت به فال نیک گرفتند. بلی موضوع اصلی در اینجا همین است. یک برداشت مختصر از چگونگی راه اندازی تظاهرات که آیا کار بر حق و مثبت به حال مردم و کشور بوده یا خیر؟

در شرایطی که نزدیک به چهل سال یعنی مردم و کشور مواجه با طولانی ترین جنگ های تاریخی خارجی و داخلی بوده و هر روز لاینقطع مورد تهاجم تروریست های دست پرورده دشمنان خارجی که به غیر از قتل و قتال مردم و ویرانی افغانستان دیگر هیچ نفع نصیب میلیون ها مردم فقیر کشور نگردیده است، لذا از دید نگارنده آنانیکه در این اوضاع و شرایط بسیار خطرناک و ناگوار همچو تظاهراتی را به هدف سقوط نظام راه اندازی می کنند چیزی جز فرستادن مردم بی گناه به قربانگاه نتیجه دیگری در بر ندارد.

البته به زعم عاملین اصلی راه اندازی تظاهرات، آنها خواسته اند بدین وسیله دولت را در سقوط قرار داده و خود را نزدیک به هدف یعنی هر کدام به خیال رسیدن به کرسی ریاست جمهوری، زیرا تجربه نشان داده است که هیچ کدام آنها کمتر از آن مقام حتی به کرسی ولایت و وزارت هم قانع نیستند.

در تحلیل نهائی واقعیت امر این است که در نبود یک بدیل بهتر وجود همین دولت با همه بدی هایش درحال غنیمت است اما راه اندازی چنین تظاهراتی که به اختصار از آن سخن رفت، حاصل آن جز ماجراجویی و تضعیف نظام نخواهد بود که فقط به خواست دشمنان خارجی افغانستان مطابقت دارد و بس.

پایان